

ضرب المثل های سونزی

عسین آزاده

www.ketab.ir

انتشارات نوید شیراز

بسم الله الرحمن الرحيم

سرشناسه	: آزاده، حسین، ۱۳۲۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: ضرب المثل های سیوندی / حسین آزاده.
مشخصات نشر	: شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۵۳۹-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: ضرب المثل های سیوندی
موضوع	: ضرب المثل های فارسی
موضوع	: سیوند
رده بندی کتب	: ۱۳۹۴ آ ۸۵ / س ۳۲۷۶ PIR
رده بندی یوپی	: م ۹ فا ۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۴۵۰۳۰



ضرب المثل های سیوندی

حسین آزاده

ویراستار: زینب زنهاری □ بازیینی: دکتر سیدفرشته سادات شریفی
صفحه آرایی: نجمه اسکندری □ طرح جلد: کانون آنتهی و تبلیغات سی راه
لیتوگرافی و چاپ: واصف □ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد □ چاپ اول: ۱۳۹۴ □ حق چاپ محفوظ
ناشر: انتشارات نوید شیراز

با همکاری قطب علمی پژوهش های فرهنگی ادبی فارس
دانشگاه شیراز

دفتر شیراز- تلفن ۶۲-۳۲۲۲۶۶۶۱-۳۲۲۲۲۹۶۷۶ نمابر

دفتر تهران- تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰۵۹۴۵ نمابر ۸۸۹۲۱۵۲۲-۲۱

پست الکترونیکی: Navideshiraz.Pub@Gmail.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۵۳۹-۹ ISBN: 978-600-192-539-9

همراه با لوح فشرده ۱۰/۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۳	جغرافیا
۱۴	جمعیت و مشاغل
۱۴	آثار باستانی
۱۶	فرهنگ مردم (دین، آداب و رسوم و زبان)
۱۶	زبان
۱۷	پیشینه کار و روش گردآوری
۱۸	ضرب‌المثل
۱۹	زبانزد
۱۹	تأثیرپذیری از فرهنگ و زبان معیار
۲۰	ضرب‌المثل‌های سیوندی
۱۳۸	سه شعر به‌گوش سیوندی از نویسنده
۱۴۴	از همین قلم:

پیشگفتار

ادبیات ایران زمینی در تاریخ ادبیات جهان، جایگاه والایی دارد. این جایگاه به دوره یا عهد خاصی وابسته ندارد. ریرا تاریخ ادبیات ایران شاهد بزرگانی در انواع متون ادبی، در نظم و نثر در دور های مختلف بوده است. اگرچه بزرگانی همچون سعدی و حافظ و مولوی و نظامی و فردوسی شهرتی جهانی دارند، بسیاری از شاعران و ادیبان باذوق و قریحه‌ای که ناشناخته مانده یا کمتر شناخته شده‌اند.

این گفته‌ها و شناخت‌ها مربوط به ادبیات مکتوب ایران است؛ همان مطالبی که در کتاب‌های تاریخ ادبیات ایران نوشته محققان ایرانی و غیرایرانی مشاهده می‌شود. در کنار این منابع متعدد در موضوع ادبیات مکتوب، متأسفانه به ادبیات شفاهی توجه کمتری شده است و این درحالی است که پیشینه ادبیات شفاهی در ایران بسیار کهن‌تر از ادبیات مکتوب است. حتی از لحاظ تنوع مضامین، ادبیات شفاهی از ادبیات مکتوب و رسمی بسیار غنی‌تر است.

مورخ و متخصص تاریخ ادبیات برای تحقیق در موضوع زندگی ادیبان و اشعار آن‌ها با مشکلات کمتری روبه‌روست. وجود تذکره‌های متعدد درباره ادیبان و دیوان‌های شعرای بزرگ، منابع کافی را در اختیار محقق قرار می‌دهد؛ اما تحقیق در موضوعات ادبیات شفاهی، بسیار دشوار و وقت‌گیر است و محقق بی‌حوصله و

بسیار بردبار را طلب می‌کند. برای تحقیق در گذشته باید منابع را زیرورو کرد و این درحالی است که این منابع فقط شامل کتب ادبی و تاریخی نمی‌شود و این ویژگی کار را دشوارتر می‌کند. حتی در کتاب‌هایی که فهرست اعلام دارد نیز، یافتن یک تصنیف، ضرب‌المثل، لالایی و ترانه خاص کمتر ممکن است. درواقع، گستره تحقیق در ادبیات شفاهی بسیار پربارتر از ادبیات مکتوب است.

در تاریخ ادبیات ایران، دوره مشروطیت از ادوار ویژه‌ای است که به ادبیات شفاهی توجه خاصی می‌شود. پررنگ‌شدن حضور مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی نقش ایفای مختلف مردم و علاقه‌مندشدن عامه مردم به کسب دانش و آگاهی موجب می‌شود که به‌جز انواع ادبی ادبیات رسمی، در نظم و نثر تحول شگرفی ایجاد شود. بکمال جدید ادبی جلوه‌ای تازه یابد. برای نمونه، تصنیف در این دوره ابتدا در بین مردم سپس در بین شاعران جایگاه خاصی می‌یابد.

پس از مشروطیت با تحول سیاسی و اجتماعی که در ایران رخ می‌دهد، دوباره به ادبیات شفاهی بی‌توجهی می‌شود؛ اما به‌هرحال، نسبت به گذشته دور و پیش از مشروطیت علاقه بیشتر شده است. از دهه چهل پس از ترجمه آثار محققان خارجی در زمینه‌های اسطوره‌شناسی، فرهنگ عامه، افسانه‌ها، قصه‌ها و به‌طور کلی ادبیات شفاهی، مجدداً علاقه‌مندی به این موضوعات بیشتر می‌شود. با این تفاوت که اینک تحقیقات جنبه علمی‌تری یافته و در برخی نمونه‌ها با نظریه‌پردازی و تئوری‌ها همراه است.

این رویکردها و تلاش‌های محققان ایرانی همچون دهخدا، صادق هدایت، انجوی شیرازی، شاملو، فقیری و محققان خارجی همچون مارزلف به رشد تحقیقات علمی در زمینه فرهنگ عامه و ادبیات شفاهی ایران کمک زیادی کرد.

نکته مهم دیگر در زمینه ادبیات شفاهی ایران که پیش از این اشاره شد، تنوع موضوعات آن است. ادبیات شفاهی ایران شامل ضرب‌المثل، مثل، قصه، افسانه، فکاهی، ترانه، تصنیف و موضوعات جزئی دیگری است. اگر در ادبیات مکتوب و

رسمی روش تحقیق بر روش کتابخانه‌ای و اسنادی استوار است، در تحقیقات ادبیات شفاهی روش میدانی جایگاه خاصی دارد. تحقیق در ادبیات رسمی را می‌توان در کتابخانه یا محل دیگری همچون منزل انجام داد، اما تحقیقات میدانی در ادبیات شفاهی با دشواری‌های زیادی همراه است.

محقق باید خود گویشور منطقه‌ای باشد که درباره آن تحقیق می‌شود یا با گویش آن محل آشنایی داشته باشد. سپس، ایجاد ارتباط با افراد محلی سختی دیگر کار است که در عمل فقط از عهده محقق پر حوصله و صبور برمی‌آید که بتواند با اخلاق، فتاری شایسته و مردمی، در بین مردم نفوذ کند و بیشترین اطلاعات را کسب کند. دشواری دیگر این نوع تحقیقات زمان زیادی است که این پژوهش‌ها، نیاز دارد. برخی جنبه‌های ادبیات شفاهی در لایه‌های ذهن مردم به صورت پنهان حفظ می‌شود و تا شان نزولی برای آن به وجود نیاید، به سطح ذهن انتقال نمی‌یابد.

در میان مضامین ادبیات شفاهی، ضرب‌المثل جایگاه خاصی دارد. آهنگین‌بودن و علاقه مردم به آن و روان‌داشتن آن تا اندازه‌ای پژوهشگر را یاری می‌کند؛ اما برخی دشواری‌های آن بیشتر از دشواری‌های دیگر مضامین است. ضرب‌المثل‌ها جزو آن دسته از ادبیات شفاهی هستند که باید در موقعیت خاص زمانی و مکانی گفته شود، نمی‌توان از کسی خواست ضرب‌المثل بگوید؛ زیرا در این صورت، او فقط چند ضرب‌المثلی را که به خاطر دارد، بیان می‌کند، اما چه بسا همین فرد در دیگر مواقع و در موقعیت‌های خاص، از تعداد زیادی ضرب‌المثل استفاده کند. در نتیجه، جمع‌آوری ضرب‌المثل‌ها به زمان زیادی نیاز دارد و هرگز کسی نمی‌تواند ادعا کند همه ضرب‌المثل‌ها را جمع‌آوری کرده است.

دیگر نکته آنکه ضرب‌المثل‌ها را واژه‌هایی تشکیل می‌دهند که ریشه در زندگی روزمره ما دارند؛ در نتیجه، با کنار رفتن برخی ابزارها، فراموش شدن برخی خوراکی‌ها یا از بین رفتن برخی بناها، به مرور ایام از رواج این ضرب‌المثل‌ها کاسته

می‌شود و سپس، فراموش می‌شوند. به همین دلیل است که باوجود دشواری تحقیق، انجام آن بسیار ضروری و مهم است. ادبیات شفاهی جزئی مهم از فرهنگ ماست و ضرب‌المثل‌ها از مضامین مهم ادبیات شفاهی هستند که بیش از دیگر مضمون‌ها، بازتاب فرهنگ هر جامعه‌اند.

روستای سیوند در فاصله هشتادکیلومتری شمال شیراز دارای ویژگی‌هایی فرهنگی است که فرهنگ آن را از روستاها و سکونتگاه‌های اطراف خود متمایز می‌کند. در زمینه فرهنگ، سیوند از لحاظ زبان‌شناسی اهمیت زیادی دارد. زبان مردم این روستا داریل، ریشه در پهلوی میانه و کهن دارد که در نوع خود بی‌نظیر است.

ساکنان این روستا در زمان نامشخص به این منطقه کوچ کرده‌اند. از استقرار اهالی در دوره صفویه تا بعدی مورد است و شاید بتوان دوره صفویه را زمان کوچ این مردم دانست؛ زیرا در دوره صفویه به دوره پادشاهی شاه‌عباس اول، از ادوار مهم تاریخ ایران در مسئله مهاجرت حوام به‌شمار می‌رود.

بنا به اهمیت ویژگی زبان‌شناسی زبان سیوندی است که باوجود کوچک‌بودن روستا و ناشناخته‌بودن آن، در طی نزدیک به صد و پنجاه سال تحقیقات زیادی درباره آن صورت گرفته است. برای نخستین بار میرزا حسین تهرانی از پژوهشگران عصر قاجار در حدود صدوپنجاه سال پیش در مورد سیوند، یادداشت‌هایی برداشته که مفید است. از میان اروپاییان نیز محققان سرشناسی درباره فرهنگ و به‌ویژه زبان سیوندی پژوهش کرده‌اند؛ از جمله آن‌ها ریاس که از یادداشت‌های میرزا حسین تهرانی بهره برده است و سپس، افراد سرشناسی همچون کریستن سن و کلمان هوار و پیر لکوک. از آخرین محققانی که درباره زبان سیوندی پژوهش کردند، آلنا مالچانوا از محققان روسی است. این افراد در شناخت و معرفی زبان و فرهنگ سیوندی تلاش زیادی کردند؛ اما ناآشنا بودن با زبان سیوندی و گویشور نبودن، انجام تحقیقات را برای آن‌ها بسیار سخت کرد.

به همین دلیل، برخی از آن‌ها به دلیل سختی زبان سیوندی یا دشواری تحقیق، کارهای تحقیقاتی خود را نیمه‌کاره رها کردند یا به پژوهش درباره موضوعی کوتاه و اندک بسنده کردند.

آخرین تحقیقات درباره زبان و فرهنگ سیوندی را آقای حسین آزاده انجام داده است. از آقای آزاده آثار تحقیقی دیگری در زمینه زبان و فرهنگ ناحیه شمال فارس و سیوند انجام شده است. ایشان خود از اهالی سیوند و گویشور گویش سیوندی هستند. باوجود آشنایی ایشان با گویش محل و آشنابودن در میان اهالی سیوند، هرگز نباید ویژگی‌های فردی ایشان را در کسب موفقیت‌ها نادیده گرفت. آقای آزاده فردی پرتلاش و در کارهای پژوهشی، بسیار پیگیر و کوشا هستند. هر اهل تحقیق در زمینه فرهنگ و زبان پوشیده نیست که انجام این تحقیقات حوصله و بردباری زیادی می‌خواهد که به روحیه خاصی نیاز دارد. روحیه‌ای که در برابر پژوهش‌ها به راحتی خسته شود و در ادامه راه بسیار پرتحمل و شکیب باشد. خوشبختانه، این روحیه خستگی‌ناپذیر در وجود آقای آزاده مشاهده می‌شود. از ویژگی‌های دیگر ایشان علاقه زیاد به انجام پژوهش‌های میدانی در زمینه فرهنگ است و به گمانم همین علاقه‌مندی عامل اصلی تلاش‌ها و فعالیت‌های ایشان است.

کتاب ضرب‌المثل‌های سیوندی به پژوهش و قلم آقای آزاده، از کارهای بسیار مفید و بارز در زمینه ادبیات شفاهی و ضرب‌المثل است. شرف نگارش و بیان ضرب‌المثل‌ها به ترتیب حروف الفباست. محقق در معرفی هر ضرب‌المثل توضیحات کافی و مفیدی ارائه کرده است. اگرچه این تحقیق از پژوهش‌های مردم‌نگاری به‌شمار می‌رود، در توضیح برخی ضرب‌المثل‌ها، پژوهشگر به مباحث مردم‌شناسی و زبان‌شناسی اجتماعی وارد شده است.

از دید نگارنده در کنار تلاش‌های آقای آزاده، برخی توضیحات ایشان با نگاهی منتقدانه و مردم‌شناسانه همراه است که جای تقدیر دارد. برای جناب آقای آزاده و

محققان گران‌سنگی همچون ایشان، آرزوی تندرستی دارم تا بتوانند همچنان با علاقه‌مندی و تلاش به تحقیقات خود ادامه دهند و به فرهنگ این مرزوبوم و این سرزمین مقدس خدمت کنند.

با تشکر

مصطفی ندیم

عضو هیئت‌علمی دانشگاه شیراز

مقدمه

جغرافیا

سیوند روستایی از دهستان خفک علیاست؛ از توابع شهرستان مرودشت، واقع در هشتاد کیلومتری شمال شیراز بر سر راه اصفهان و در دامنه جنوب غربی رشته کوهی از زاگرس که از شمال غرب به شش تا ارسنجان ادامه دارد. در بخش غربی، رودخانه سیوند جریان دارد که در گذشته به رودخانه پلوار موسوم بوده است و از جلگه پاسارگاد سرچشمه می گیرد. در پس خان به رودخانه گُر می پیوندد. یادآوری این نکته ضروری است که مسیر اصلی چهارمین نقطه ای است که این قوم برای اقامت برگزیده اند. پیش از این، در سه کیلومتر شرق سیوند در محلی به نام ده کهنه و پیش از آن در پنج کیلومتری شمال سبید در محلی به نام سیوند خرابه که اکنون بر سر راه جدید شیراز به اصفهان واقع است، زندگی می کرده اند. از آن پیش تر نیز، در انتهای دره ای به نام تنگ خشک (خوش) در چند کیلومتری شمال غرب سیوند بوده اند که آثار باقی مانده هر سه آبادی هنوز موجود است. بیش از صد و پنجاه سال پیش، از ده کهنه به سیوند کنونی نقل مکان کرده اند. این مطلب را در نوجوانی (پنجاه سال پیش) از دو نفر به نام های عمه شهربانو و حاج مرتضی شنیده ام که آن زمان بیش از صد سال داشتند و بنا به

گفته خودشان، کودکانِ آخرین خانواده‌هایی بوده‌اند که از ده کهنه به سیوند کوچ کرده‌اند. از دیگر مطالبی که سینه‌به‌سینه منتقل شده و بزرگسالان نقل می‌کردند، این است که افغان‌ها در حال فرار از نادرشاه به سیوند خرابه یا سیوند سوخته هجوم آوردند و پس از آن، ساکنان به ده کهنه نقل مکان کردند که بین کوه محصور است و قابلیت دفاع بیشتری فراهم می‌کند. هنوز پیکان‌هایی زنگ‌زده که برای شکار یا دفاع استفاده می‌کرده‌اند، در کوه‌های اطراف ده کهنه یافت می‌شود.

از زمانی که باعث حفظ زبان باستانی سیوندی شده، همین زندگی بین کوه و دوروبون مردم را بر مگر آبادی‌ها بوده است.

جمعیت و مشاغل

سیوند بیش از پنج‌هزار نفر جمعیت دارد که به این عدد باید عده‌ای درخور توجه را که در شیراز و مرودشت و دیگر شهرها ساکن شده‌اند، افزود. بیشتر مردم به کشاورزی و باغداری و تجارت اشتغال دارند. گذشته‌نچندان دور، دامداری نیز از مشاغل عمده مردم بوده که اکنون رو به کاهش گذاشته است. از دیگر مشاغل عمده مردم چارواداری بوده است که تا پیش از ورود کامیون و دیگر وسایل نقلیه، برای حمل کالا در نقاط مختلف ایران و از هندوستان تا فلسطین و استانبول از حیوانات بارکش به‌ویژه قاطر استفاده می‌شده است.

آثار باستانی

آثاری از اقامت انسان در گذشته‌های دور در سیوند موجود بوده و هست. از جمله آن‌ها گورستانی موسوم به قبرستان گبرها است که از سی سال پیش تسطیح و روی آن خانه‌سازی شد. حدود پنجاه سال پیش در کنار همین

گورستان حوضچه و خمره‌هایی با ناودان‌های سفالی مرتبط به یکدیگر کشف شد که به‌گفتهٔ باستان‌شناسان کارگاه شراب‌سازی و مربوط به دوران پیش از اسلام بوده است.

در سینه‌کش کوهی به‌نام «تُنَب کَرَم» در دهانهٔ تنگ خشک، آثار بُرش سنگ‌هایی که در ساختن تخت‌جمشید و پاسارگاد به‌کار می‌رفته است و نیز قطعاتی بریده‌شده که موفق به بردن آن‌ها نشده‌اند، وجود دارد؛ این محل را المانی‌بری می‌نامند.

کتیبهٔ سنگ‌نوشته به‌زبان پهلوی در تنگ خشک موجود است که بر اثر آفتاب و باران و سایر عوامل جوی در شرف خرابی است و خواندن آن‌ها با دشواری روبه‌روست.

باقی‌ماندهٔ پلی با تنگ با ملات ساروج از دورهٔ ساسانیان بر روی رودخانهٔ سیوند و در کنار قلعه دختر موجود است. به‌منی بر این باورند که این پل در زمان هخامنشیان ساخته شده است؛ بنا به‌جشن از حادثة شاهی است که از طریق تنگ بلاقی که اکنون سد سیوند را در آن ساخته‌اند، به پاسارگاد می‌رسیده است.

همچنین، از گورهای عمودی بر بالای کوهی به‌نام «قلات گوری» (= گبری) در کنار ده کهنه می‌توان نام برد.

گورستانی در دامنهٔ جنوبی کوهی به‌نام «قَنْبَر فَنْبَرُو» معبر به (قبر بلند) وجود دارد که سنگ قبرهایی مرمرین با نقش برجسته‌هایی از خوردها و حماسی داشت و بعضی از آن‌ها نور خورشید و ماه را منعکس می‌کرد. این سنگ‌ها که می‌شد با خواندن تاریخ‌های حجاری‌شده بر آن‌ها به تاریخ مرگ مردمی با پسوند سیوندی پی برد، افرادی سودجو از شهرهای مختلف در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ نیمه‌شب‌ها با کامیون تاراج کردند و به‌این ترتیب، بخشی از فرهنگ و گذشتهٔ این قوم از بین رفت.

یکی دیگر از آثار باستانی، اشکفت چهل‌پله است که در کنار پارک جنگلی

چشمه (سرچشمه ابوالمهدی) در کمرکش کوه واقع شده و بیش از چهل پله در سنگ و صخره عمودی حجاری شده و منتهی به غاری دوطبقه می‌شود که محل سکونت و پناهگاهی در برابر مهاجمان بوده است.

فرهنگ مردم (دین، آداب و رسوم و زبان)

دین مردم سیوند بدون استثنا اسلام و مذهب دوازده امامی است. از دوران گذشته تا سال ۱۳۵۷ مراسم گوناگونی در سیوند اجرا می‌شد که ویژگی‌های خاص خود را داشت. به تدریج، این مراسم تحت تأثیر فرهنگ غالب شهری دگرگون شد و روال فراموشی است. بخشی از این آداب و رسوم از جمله جشن‌های نوروزی، بازی‌های محلی، سیزده‌به‌در، طلب باران و مراسم مربوط به کشاورزی، در کتاب‌های با برهه مردم شمال فارس و ضرب المثل‌های شمال فارس از نگارنده با همکاری بنیاد فارس‌شناسی به چاپ رسیده است.

زبان

زبانی که هنوز مردم سیوند به آن سخن می‌گویند بازمانده زبان پهلوی میانه با واژگانی هخامنشی، مادی، اوستایی و... است. آنچه مردم سیوند را از روستاهای هم‌جوار متمایز می‌کند و سیوند را مانند جزیره‌ای زبانی در استان فارس، بلکه در گستره ایران بزرگ نشان می‌دهد، همین زبان باستانی است. قوم سیوندی آریایی و مهاجر بوده‌اند. اینکه در چه زمانی به این منطقه کوچ کرده‌اند، هنوز به درستی معلوم نیست؛ اما بخشی از این قوم در زمان صفویه به سیوند کوچ کرده‌اند و احتمال دارد به بخشی دیگر که پیش از آن در این محل مستقر شده بودند، پیوسته باشند.

به عقیده زبان‌شناسانی مانند آندریاس، کریستن‌سن، کلمان هوار، لکوک و...

گوش سیوندی از نظر لهجه‌شناسی به گروه گویش‌های ایرانی شمال غربی مربوط می‌شود.

وقتی دوره دبیرستان را می‌گذراندم، پیر لکوک^۱ در سیوند مشغول تحقیق بود. پرفسور ریچارد فرای، ایران‌شناس بزرگ، در جلسه‌ای می‌گفت: قوم سیوندی یا بخشی از آن‌ها تا زمان اشکانیان در غرب زندگی می‌کرده‌اند و ییلاق آن‌ها تا حوالی مرز ارمنستان بوده و احتمالاً این زبان در آن دوران و در آن مناطق رایج بوده است. ایشان بر این باور بود که گویش سیوندی قدیمی‌ترین زبانی است که از دوران باستان باقی مانده و هنوز رایج است.

طبق تحقیقات^۲ رنده با توجه به اشتراک زبانی بین سیوند و دیگر مناطق ایران، بیشترین واژگان مشترک یا دارای ریشه مشترک، میان گویش سیوندی و گویش هورامی وجود دارد. و پس از آن با گویش لکی و زازاکی. با دیگر گویش‌ها از شمال، مازنی، از جنوب، سنندوی و از مرکز با ابلهانه به میزان ده درصد اشتراک موجود است.

پیشینه کار و روش گردآوری

از زمانی که من دوره دبیرستان را می‌گذراندم، در جلسات فارسی‌شناسی ریچارد فرای شرکت می‌کردم. در یکی از نشست‌هایی که با حضور ایشان برگزار شده بود، وقتی متوجه شد که من از اهالی سیوند هستم، مرا به گردآوری و ثبت و ضبط واژگانی که بزرگسالان سیوندی در مکالمات به کار می‌برند، تشویق کرد. به خصوص تأکید کرد که در کنار رشته تخصصی الکترونیک، هر چه می‌توانم از قصه، مثل، زبانزد، ترانه‌های کار و آداب و رسوم این قوم حتی نفرین‌ها و دشنام‌ها را گردآوری کنم.

^۱ Pierre Lecoq

اگرچه از کودکی به قصه‌های عامیانه علاقه‌مند بودم و قصه‌های فراوانی در حافظه خدادادی‌ام ثبت شده بود، از دوران دبیرستان تمام اوقات فراغت را به طبیعت‌گردی و یادداشت‌برداری گذراندم و از دوره دانشجویی به بعد با ضبط روی نوار کاست هرآنچه توانستم از فرهنگ مردم مرودشت و شهر و روستاهای اطراف تا سرحد باصری و چهاردانگه ثبت و ضبط کردم. مرتباً از همه این کارها سیوند بود. حاصل کار تاکنون دو جلد کتاب قصه‌های فارس، یک جلد ضرب‌المثل‌های شمال فارس و یک جلد باورهای مردم شمال فارس است که نشر مرکز و بنیاد فارس‌شناسی آن را به چاپ رسانده است.

ضرب‌المثل

از جلوه‌های فرهنگ مردم سر قوم شیر و دیار ضرب‌المثل است: جمله‌ای کوتاه و آهنگین و پندآموز که به دلیل ریبایی کلام و برآمدن از دل‌ها، بر دل‌ها می‌نشیند و مردم از دیرباز تاکنون به گونه‌ای شفاهی از آن استفاده کرده‌اند و گاهی به آن استناد نموده‌اند.

بر این باورم که اکثر ضرب‌المثل‌ها طنز و طعنه‌آمیز هستند و کمتر مثلی را می‌توان یافت که از صنایع بدیع شاعرانه مانند پیه، استعاره، کنایه و... که تصویری از موضوع را نشان می‌دهد، تهی باشند. اگرچه به درستی گفته‌اند که اندرز تلخ است، ضرب‌المثل‌ها با گزیده‌گویی و ایجاز در کلام همراه با خصوصیات شاعرانه و چاشنی طنز، چنان معجونی از شیر و عسل ساخته و چنان موسیقی خوش‌آهنگی تنظیم کرده‌اند که کام گوینده را شیرین و گوش شنونده را نوازش می‌کند. راز ماندگاری ضرب‌المثل که از دیرباز تاکنون در گستره ایران عزیز، نانوشته بر مسند حافظه‌ها نشسته، در این خصوصیات است.

زبانزد

از دیگر جلوه‌های فرهنگ مردم، عباراتی کوتاه‌تر از ضرب‌المثل با درون‌مایه‌های مختلف است که از «چاق سلامتی» تا دعا و نفرین را دربرمی‌گیرد و «زبانزد» نام دارد.

فراوانی مثل‌ها و زبانزدها در عین زیبایی‌های ظاهری و درون‌مایه‌های فرهنگی همراه با گوناگونی‌های گویشی، نشان از طبع طنز و اندیشه‌گرا و شاعرانه نیاکان با -اوان- ما ایرانیان دارد. بسیاری از ضرب‌المثل‌ها و زبانزدهای رایج میان اقوام مختلف با گویش‌های مختلف ممکن است ریشه مشترک داشته باشند. بسیاری نیز مخصوص و منحصر به قومی خاص هستند که در آن‌ها از واژگان و عباراتی استفاده می‌شود که حاکی از خصوصیات جغرافیایی و تاریخی و نوع زندگانی آن قوم و دیار است.

تأثیرپذیری از فرهنگ و زبان

فرهنگ و زبان اقوام مختلف بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد. گویش سیوندی نیز به تدریج تحت تأثیر فارسی معیار قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که بسیاری از واژگانی که امروز به کار می‌برند، فارسی و حتی به تبعیت از شهرت آن واژگان خارجی است. اما این زبان چنان قوی و ریشه‌دار است که به واژگان عربی نیز شکلی محلی داده و نشانه‌های گویش سیوندی را به آن‌ها بار کرده است. برای مثال، مجلس به مگلس، گالن به گلان یا کجاوه به کجوا تبدیل شده است.

ضرب‌المثل‌ها و زبانزدها نیز در طول قرن‌ها از فارسی به سیوندی راه یافته؛ اما ضمن حفظ مضمون، شکلی محلی به خود گرفته است. هر قومی امثال مخصوص به خود را دارد و مثل‌هایی که اختصاص به سیوند دارند، از نظر کمیت شایان توجه است. چنان‌که ملاحظه خواهید فرمود، بیشتر نمونه‌هایی که در این اثر گردآوری

شده، مخصوص و منحصر به سیوند است. بخشی از مثل های وارداتی که به خاطر تبدیل واژگان آن ها به واژگان باستانی سیوندی، در این زبان قدرتمند حل شده (و بنا به ذوق من میسوند شده اند) نیز شاید برای زبان شناسان گرامی جالب باشد.

ضرب المثل های سیوندی

اثر پیش رو که مخلوطی از مثل و زبانزد است؛ علاوه بر داشتن مشخصه های سایر ضرب المثل ها، به این سبب که از زبان باستانی سیوندی ترجمه و آوانگاری شده است و بخاطر واژگانی که از زبان پهلوی، مادی، اوستایی و... در این زبان باقی مانده، این دسته از زبان شناسان و باستان شناسان و دیگر پژوهشگران بسیار مفید است.

سعی کردم که ترجمه مثال ها با اصل آن ها، تقارن داشته باشد. این روش به دلیل بعضی جابه جایی های فاعل و فعل و مفعول، به نثر فارسی متن زبان می رساند؛ اما در این شکل از ترجمه، معنای واژگان بهتر تفهیم می شود. علاوه بر این، بعضی تفاوت ها بین دستور گیش سیوندی با فارسی معیار بیشتر نمایان خواهد شد.

توجه پژوهشگران را به این نکته جلب می کنم که دره متسل به نام ها، در گویش سیوندی به دو شکل «ی» نسبت برای مذکر و «آ» نسبت برای مونث است. مثال: ژنا (ژن + آ) فلانی = زن فلانی؛ میردی (میرد + ی) گب = مرد بزرگ. درباره حیوانات و چیزهای بی جان نیز که از قدیم قائل به جنسیت برای آن ها بوده اند، به همین شکل، البته با استثناهایی، به کار می رود. برای مثال: ماری (مار + ی) سیه = مار سیاه؛ فلا (فل + آ) دیوار = سوراخ دیوار. «آ» نشانه مونث و «ی» نشانه مذکر است. حتی واژگان وارداتی یا نام مصنوعات جدید نیز نشانه های گویش سیوندی را به خود گرفته اند، مانند: تفنگا مه = تفنگ من، فشنگی ته =

فشنگ تو. ملاحظه می‌فرمایید که تفنگ، ماده و فشنگ، نر پنداشته می‌شود.

نکته دیگری که یادآوری آن لازم است، این است که من تجربه و تخصصی در زبان‌شناسی ندارم. فقط به دلیل مطالعه متون قدیمی بعضی واژگان سیوندی را با زبان‌های باستانی عیناً یکی و بعضی شباهت‌ها بین دیگر واژگان دیده‌ام که به صورت «پرسش» و «شاید» و «ممکن است»، در گوشه‌هایی از این اثر مطرح کرده‌ام. بنابراین، اظهار نظر فنی و تخصصی را به زبان‌شناسان وامی‌گذارم.

دزم می‌دانم نکاتی را که در نگاه اول خارج از موضوع می‌نماید، به استحضار اهل نظر به‌خصوص پژوهشگران ارجمند برسانم. این نکات را پیش‌ازین، در مقالاتی کال و جامع خطاب به دست‌اندرکاران امور فرهنگی یادآور شده‌ام.

از سال‌ها پیش، پنج از آثار پژوهشگران و زبان‌شناسان ایرانی و خارجی ازجمله پایان‌نامه‌هایی که در گویش سیوندی تهیه و تدوین شده است، تا آنجا که دسترسی داشته‌ام، مطالعه کردم. متأسفانه این آثار اشتباهات املایی و معنایی و آوایی فراوانی دارند.

تشخیص درست و نادرست بودن واژگان در توان هرکس نیست. جز اینکه مسن‌ترین گویشور آگاه و سیوندی، این کار دست یازد.

برای نجات این زبان باستانی و استفاده آیندگان از آن تهیه واژه‌نامه‌ای کامل و به‌دور از خطا که مرجعی برای استفاده یا اصلاح نگار باشد، ضروری می‌نماید؛ اما جوانان سیوندی بسیاری از واژگان متقدم را از یاد برده‌اند و بزرگ‌سالان نیز از نکات فنی و تخصصی مانند صرف و نحو... آگاهی ندارند.

چاره چیست؟

۱. وجود مسن‌ترین گویشور آگاه به گویش سیوندی؛

۲. وجود منابعی که شامل بیشترین اندوخته‌های فرهنگ مردم سیوند باشد، ازجمله: قصه، مثل، زبانزد، ترانه‌های کار و عباراتی که در مراسم باقی‌مانده از گذشته، به‌کار می‌رود و حاوی واژگان متقدم است؛